

وضعیت اشتغال در ایران

قسمت سوم: بررسی وضعیت اشتغال پس از انقلاب اسلامی

از: واحد پژوهش مؤسسه کار و تأمین اجتماعی

ملی در سالهای ۶۷-۱۳۶۴ گذاشته است. دوسمین دوره از سال ۱۳۶۷ با یک رکود شروع و با بهبود شرایط تا سال ۱۳۷۰ ادامه می‌یابد. در طی این دوره، پس از پایان یافتن جنگ و آغاز وضعیت جدید از سال ۱۳۶۷ تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت ثابت با رشد مثبت افزایش می‌یابد و بعد از این سال، تدوین برنامه پنجساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۶۸-۷۲ به عنوان اولین اقدام در زمینه تحولات اقتصادی در این دوره تلقی می‌شود. در این برنامه به علت نبود آمار واقعی سال ۱۳۶۷ و تخمین اطلاعات این سال، ارقام برآوردی با عملکردهای واقعی اختلاف دارد و به دلیل عدم انطباق ارقام با یکدیگر نمی‌توان از عملکرد اقتصادی طی سالهای اجرای برنامه، توجیه صحیحی داشت (ارقام برنامه براساس اطلاعات برآوردی سال ۱۳۶۷ مشخص شده است). لیکن با طراحی و تدوین برنامه، فاز اول سیاستهای اصلاح ساختار اقتصادی کشور طی سالهای ۷۰-۱۳۶۸ به اجرا گذارده شد.

با توجه به میزان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱، طی سالهای قبل از برنامه شاهد روند نزولی آن تا سال ۱۳۶۰ هستیم، به این ترتیب که در سال ۱۳۵۷ تشکیل سرمایه ثابت معادل ۲۶۲۳ میلیارد ریال بوده که با کاهش ۳۰/۸ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۱۸۱۵/۸ میلیارد ریال رسید. به طور کلی، تا شروع اولین سیکل اقتصادی کشور (سال ۱۳۶۰) از رشد سالانه تشکیل سرمایه ثابت ۱۳/۰۵ درصد کاسته شد، لیکن از سال ۱۳۶۰ با بهبود

مواجه هستیم. از سال ۶۷-۱۳۶۴ با سقوط شدید بهای نفت در بازارهای بین‌المللی در ابتدای این دوره روبرو می‌شویم. در سال ۱۳۶۴ دوسمین شوک نفتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رخ می‌دهد (البته در جهت کاهش) و دوران رکود اقتصادی سیکل آغاز می‌شود. طی این دوره (۶۷-۱۳۶۴) علاوه بر کاهش قیمت نفت از شبکه‌ای ۳۵ دلار (سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰) به حدود ۱۵ دلار (۱۳۶۵)، به علت شرایط جنگی کشور، صادرات نفتی و درآمد ارزی حاصل از آن به شدت کاهش یافت و ضمناً به دلیل افزایش سرسام‌آور تقاضا و نقدینگی کل کشور و انواع محدودیتهای قیمتی کالاها و خدمات، عدم تعادل اقتصادی در کشور ایجاد شد و تخصیص منابع و سرمایه‌گذاری را در اقتصاد دچار مشکلات اساسی کرد. بدین ترتیب دوران اولین سیکل اقتصادی کشور (۶۷-۱۳۶۰) به پایان می‌رسد.

گفتنی است که در فاصله دوره ۶۷-۱۳۶۴ اقتصاد ایران کلاً تحت تأثیر عوامل منفی داخلی و خارجی قرار داشت. در بُعد داخلی، رشد کنترل نشده جمعیت، ادامه رکود بخشهای تولیدی، کاهش سهم تشکیل سرمایه از تولید ملی و گسترش نقدینگی به دلیل ضرورت تأمین مالی جنگ، روز به روز شکاف عرضه و تقاضا را فزونی بخشید. در بُعد خارجی، کاهش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی و گسترش خسارتهای وارده به منابع اقتصادی کشور به دلیل برخورداری دشمن از امکانات فنی و نظامی وسیع‌تر، تأثیرات منفی عمیقی بر عملکرد اقتصاد

هنگام تحلیل عملکرد اقتصاد و وضعیت اشتغال پس از سال ۱۳۵۵، با تحولات بنیادی پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ مواجه می‌شویم. پس از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۶۰ به دلیل وجود شرایط بی‌ثباتی و تعطیل کارخانجات و مؤسسات تولیدی و خروج سرمایه از کشور، فعالیتهای تولیدی کشور با رکود شدیدی روبرو شدند. در کنار این عوامل به موانع خارجی از قبیل شوک نفتی در سال ۱۳۵۸ و کاهش صدور نفت، تحریم اقتصادی کشور از جانب کشورهای حامی رژیم سابق، فرار سرمایه‌ها و بالاخره جنگ تحمیلی نیز باید اشاره کرد، که خود باعث عمیق‌تر شدن رکود به وجود آمده در بخش تولیدی کشور شده و از عوامل ایجاد بحران در کشور در طول سه سال اول پس از پیروزی انقلاب محسوب می‌شود. پس از سال ۱۳۶۰، اولین سیکل اقتصادی بعد از پیروزی انقلاب رخ می‌دهد. دوره این سیکل از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ بوده است. این سیکل با بهبود نسبی شرایط، از نظر تولید ناخالص داخلی شروع شده بود (از سال ۶۴-۱۳۶۰). طی سالهای ۶۴-۱۳۶۰، به علت قیمت بالای نفت و از طرف دیگر به علت وجود امکانات و ظرفیتهای تولیدی در کشور، فشارها و نابسامانی‌های محیطی ناشی از تحریم اقتصادی و جنگ تحمیلی بخوبی تعدیل گردید و کمبودها را آنطور که باید نشان نداد. مضافاً بر این که فشار جمعیت بر منابع اقتصادی به علت وجود منابع و ظرفیتهای بهره‌برداری نشده، بخوبی محسوس نبود و به این دلایل بود که در دوره ۶۴-۱۳۶۰ با عملکرد مثبت اقتصاد کشور

نسبی اوضاع اقتصادی بر میزان تشکیل سرمایه افزوده شد و بدین ترتیب طی سالهای ۶۲-۱۳۶۰، میزان سرمایه ثابت رشد مثبتی داشت. در سال ۱۳۶۱، رشد سالانه سرمایه‌گذاری ۶/۸ درصد و در سال ۱۳۶۲ به ۳۸/۵ درصد افزایش یافت. رشد مثبت این سالها به دلیل افزایش درآمدهای نفتی بوده است. طی سالهای ۶۷-۱۳۶۴ رشد سرمایه‌گذاری ثابت با توجه به وضعیت کلان اقتصادی و کاهش درآمدهای نفتی نزولی بود و به طور متوسط سالانه ۱۹ درصد رشد منفی داشته است. در واقع، طی دهه ۶۷-۱۳۵۷ نرخ رشد سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی ۷/۹۷ درصد کاهش یافت.

روند اشتغال و توزیع جمعیت شاغل در سالهای قبل از برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب بدین ترتیب بود که تأثیر مثبت و قابل توجه سرمایه‌گذاری ثابت عمرانی دولت را در بخشهای تولیدی اقتصاد یعنی کشاورزی و صنعت می‌توان به وضوح از روند آماری این متغیرها استنباط کرد.

به عبارت دیگر، هم جهت بودن میان تغییرات اشتغال در این بخشها و حجم سرمایه‌گذاری ثابت عمرانی طی سالهای دهه ۱۳۶۰ گویای این مطلب است.

رشد سالانه اشتغال طی دهه ۶۷-۱۳۵۷ معادل ۲/۲۱۶ درصد بود به طوری که ۹۱۹۶۰۰۰ نفر شاغل در سال ۱۳۵۷ به ۱۱۴۵۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۷ افزایش یافت. بدین ترتیب، اقتصاد کشور طی ده سال قبل از برنامه توسعه اول ۲۲۵۴۰۰۰ فرصت شغلی جدید ایجاد کرده است (سالانه به طور متوسط ۲۲۵ هزار شغل).

طبق برآوردهای جمعیتی کشور در سال ۱۳۵۷ از ۳۶۰۷۷۰۰۰ نفر جمعیت کل کشور حدوداً ۲۹ درصد یعنی ۱۰۳۳۳۰۰۰ نفر از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند که از این میزان ۲۵/۵ درصد آن شاغل (۹۱۹۶۰۰۰ نفر) و بقیه بیکار جوای کار بوده‌اند. جمعیت بیکار در این سال ۱۱۳۷۰۰۰ نفر بود؛ این نسبت در سال ۱۳۶۷ به این ترتیب بود که از ۵۲۶۷۲۰۰۰ نفر جمعیت کل کشور بالغ بر ۲۵ درصد یعنی ۱۳۳۷۴۰۰۰ نفر

جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دادند، که از این میزان ۲۲ درصد آن (۱۱۴۵۰۰۰۰ نفر) جمعیت شاغل و ۳/۶ درصد بقیه را جمعیت بیکار به خود اختصاص داده بودند. جمعیت بیکار در سال ۱۳۶۷ در حدود ۱۹۷۵۰۰۰ نفر را شامل می‌شد. به طور کلی، در دهه ۶۷-۱۳۵۷، نرخ اشتغال از ۸۹ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۸۵/۶ درصد کاهش یافت و نرخ بیکاری از ۱۱ درصد در ابتدای دهه به ۱۴/۴ درصد در سالهای پایانی دهه مذکور (۱۳۶۷) افزایش پیدا کرد. با توجه به دو دوره چهارساله (۶۰-۱۳۵۶) و (۶۷-۱۳۶۳) که رکود اقتصادی در کشور وجود داشته است و مقایسه آن با روند یکنواخت تغییرات نرخ بیکاری در این دوره، مشاهده می‌شود که افزایش یکنواخت نرخ بیکاری در طی دوره‌های رکود با روند تغییرات (دوره رکود) تناقض داشته است (جدول شماره ۱۶).



جدول شماره (۱۶): جمعیت شاغل و فعال در فعالیتهای اصلی اقتصادی (۶۹-۱۳۵۵) (ارقام: هزار نفر)

شرح	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹
کشاورزی	۲۹۹۲	۳۰۱۱	۳۰۳۰	۳۰۵۰	۳۰۷۰	۳۰۹۰	۳۱۱۰	۳۱۳۰	۳۱۵۰	۳۱۷۰	۳۱۹۱	۳۲۱۱	۳۲۵۳	۳۳۱۳	۳۳۶۶
نفت	۹۰	۹۲	۹۴	۹۶	۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۳	۱۰۶	۱۰۸	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۷	۱۲۱	۱۲۷
صنایع و معادن	۱۷۳۴	۱۷۰۵	۱۶۷۶	۱۶۴۸	۱۶۲۰	۱۵۹۳	۱۵۶۶	۱۵۴۰	۱۵۱۴	۱۴۸۸	۱۴۶۳	۱۴۳۸	۱۴۱۰	۱۳۸۲	۱۳۵۶
ساختمان	۱۱۸۹	۱۱۹۱	۱۱۹۲	۱۱۹۴	۱۱۹۶	۱۱۹۷	۱۱۹۹	۱۲۰۱	۱۲۰۳	۱۲۰۴	۱۲۰۶	۱۲۰۸	۱۲۲۰	۱۲۶۷	۱۳۴۹
خدمات	۲۷۴۴	۲۹۹۷	۳۲۰۴	۳۴۱۴	۳۶۲۷	۴۰۲۱	۴۳۲۷	۴۵۹۶	۴۸۷۴	۴۹۵۵	۵۰۶۵	۵۳۳۶	۵۴۰۰	۵۵۲۴	۵۶۷۵
جمعیت شاغل	۸۷۹۹	۸۹۹۶	۹۱۹۶	۹۴۰۲	۹۶۱۱	۱۰۰۰۱	۱۰۳۰۲	۱۰۵۷۰	۱۰۸۴۷	۱۰۹۲۵	۱۱۰۳۶	۱۱۳۰۵	۱۱۴۵۰	۱۱۷۸۱	۱۲۱۸۹
بیکاری	۹۹۷	۱۰۶۵	۱۱۳۷	۱۲۱۰	۱۲۸۸	۱۳۶۷	۱۴۵۱	۱۵۳۸	۱۶۲۸	۱۷۲۲	۱۸۱۹	۱۹۹۲	۱۹۲۴	۱۹۷۵	۱۹۷۸
جمعیت فعال	۹۷۹۶	۱۰۰۶۱	۱۰۳۳۳	۱۰۶۱۲	۱۰۸۹۹	۱۱۳۶۸	۱۱۷۵۳	۱۲۱۰۸	۱۲۴۷۵	۱۲۶۴۷	۱۲۸۵۵	۱۲۹۹۷	۱۳۲۷۴	۱۳۷۵۶	۱۴۱۶۷

مأخذ: حسابهای ملی ایران سالهای ۶۶-۱۳۵۳ و ۶۹-۱۳۶۷، اداره حسابهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.



در حقیقت، تغییرات بیکاری بیانگر تغییرات هماهنگ با دوره رکود نیست؛ به عنوان نمونه می‌توان به تناقض سال ۱۳۶۶ اشاره کرد. در این سال که یکی از سالهای رکودی اقتصاد کشور محسوب می‌شود، اقتصاد کشور با شرایط دشوار تنگناهای ارزی، مسائل جنگ و بسیاری از مشکلات دیگر مواجه بوده است که لازمه آن افزایش نرخ بیکاری می‌باشد، لیکن در این سال با کاهش نرخ بیکاری نسبت به سال قبل از آن (۱۳۶۵) مواجه بوده‌ایم. نرخ بیکاری در سال ۱۳۶۶ به ۱۳ درصد کاهش یافت در صورتی که نرخ تورم ۲۷/۷ درصد بود و این امر بیانگر شرایط تورم همراه رکود در بسیاری از فعالیتهای اقتصادی است. از علل عمده شرایط رکود تورمی کاهش درآمد ارزی، افزایش کسری بودجه دولت، افزایش نقدینگی، کاهش تولید داخلی و کاهش واردات را می‌توان ذکر کرد.

در اغلب کشورهای توسعه یافته، رکود و تعطیل کارخانجات با افزایش بیکاری توأم است. به عبارتی، تغییرات بیکاری و رکود هماهنگ با هم و با یک روند صورت می‌گیرد، لیکن دلیل بالا رفتن نرخ بیکاری در کشور ما در دوره‌های رکود می‌تواند بیکاری پنهان یا کم‌کاری در واحدها و مؤسسات دولتی دانست که به علت وسعت واحدهای تولیدی و مؤسسات دولتی و نوع اشتغال آنها نمی‌توانند در دوره رکود اقدام به استخدام نیرو و یا اخراج نیروهای موجود خود کنند و بدین علت با کاهش ساعات مفید کار و به عبارتی بیکاری پنهان و یا کم‌کاری مواجه می‌شوند. دلیل دیگری که برای عدم تأثیر رکود بر نرخ بیکاری در ایران می‌توان ذکر کرد، وجود مشاغل کاذب و تعریف نشده‌ای از قبیل دلالی و واسطه‌گری است که در زمره مشاغل تولیدی نیست و موجب افزایش تولید نمی‌شود و در واقع فرصتهای شغلی جدید ایجاد شده را از سایر بخشها به خود جذب می‌کند. بخش خدمات طی دهه ۶۷-۱۳۵۷ کلاً ۲۱۹۶۰۰۰ فرصت شغلی جدید را به خود اختصاص داده بود که از کل اشتغال ایجاد شده در طی این دوره ۹۷/۴ درصد

● علت عدم تحقق اهداف برنامه در بخش سرمایه‌گذاری را می‌توان به طور کلی در عواملی نظیر افزایش هزینه‌های جاری دولت به دلیل مسائلی نظیر سیل و زلزله، عدم وضعیت ثبات کلان اقتصادی، مشکلات ارزی بخش صنعت، انتظارات بخش خصوصی در مورد یکسان‌سازی نرخ ارز و مسائلی از این قبیل جستجو کرد.

را تشکیل می‌داد و این امر میسر نمی‌شود مگر آنکه تأمین فرصتهای جدید ایجاد شده از سایر بخشهای تولیدی نظیر صنعت و کشاورزی صورت گرفته باشد. از این رو، به وضوح می‌توان مشاهده کرد که در بخش خدمات - با وجود رکود - نرخ بیکاری کاهش پیدا نکرده است. در مقابل، بخش کشاورزی طی دهه مذکور تنها ۹/۸ درصد از فرصتهای جدید شغلی را جذب کرده بود و در بخش صنعت نیز با کاهش جذب فرصتهای شغلی ۹/۶ درصد روبرو بودیم.

البته نرخ بیکاری در ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته اروپایی، حتی زمانی که دچار بحران بیکاری شده بودند، نیز رقم بسیار بالایی است. نرخ بیکاری در اروپا طی سالهای ۱۹۹۰ - ۱۹۹۱ (۱۳۶۹ - ۱۳۷۰) به ترتیب ۸/۵ درصد و ۹/۱ درصد بوده و در سال ۱۹۹۲ این نرخ به ۹/۷ درصد رسیده و یا در مورد امریکا نرخ بیکاری در بحبوحه سالهای بحران، ۶/۷ درصد پیش‌بینی شده است (۱). گفتنی است که نرخ بیکاری در اغلب کشورهای در حال توسعه، به علت مشکلات ساختار اقتصادی این کشورها بالا است و غالباً ناشی از کمبود عامل سرمایه و سرمایه‌گذاری در این کشورهاست.

□ بررسی عرضه و تقاضای کار سال ۱۳۶۵ و مقایسه آن با سال ۱۳۵۵ (۶۵-۱۳۵۵)

در سال ۱۳۶۵ جمعیت کشور به ۴۹۴۴۵۰۰۰ نفر رسید که از این تعداد ۵۴/۳ درصد آن در مناطق شهری و ۴۵/۲ درصد در نقاط روستایی ساکن بودند. افزایش جمعیت طی دهه (۶۵-۱۳۵۵) معادل ۱۵۷۳۶۰۰۰ نفر بود و

میزان رشد سالانه جمعیت در این دوره به ۳/۹۰۵ درصد رسید که نسبت به دهه قبل افزایش یافته بود. این امر حاکی از تغییر شدید ساختار جمعیتی کشور بوده و لزوم توجه به برنامه‌ریزی دقیق در آن را می‌طلبد.

جمعیت فعال کشور (عرضه کل نیروی کار) در سال ۱۳۶۵ معادل ۱۲۸۲۰۰۰۰ نفر با نرخ فعالیت عمومی ۲۵/۹۳ درصد بود که نسبت به دهه قبل روند نزولی خود را همچنان حفظ کرده بود. البته توزیع جمعیت فعال در شهرها بیشتر از روستاها بود چنانکه نرخ فعالیت عمومی در نقاط شهری به ۲۶/۲ درصد و در نقاط روستایی به ۲۵/۶ درصد رسید. میزان افزایش جمعیت فعال طی دوره ۶۵-۱۳۵۵ معادل ۳۰۲۴۰۰۰ نفر بود که از این تعداد ۸۸/۹ درصد آن در مناطق شهری

و ۸/۸ درصد آن در مناطق روستایی جذب شده‌اند. در واقع، کاهش جمعیت فعال یا عرضه کل نیروی کار طی این دوره را می‌توان ناشی از نرخ بالای رشد جمعیت و افزایش جمعیت جوان در سنین قبل از فعالیت و گسترش دوره تحصیلات اجباری از ابتدایی به راهنمایی دانست. ویژگی خاص این دوره آن است که ترکیب جمعیت فعال برای اولین بار تغییر اساسی پیدا کرده و از گرایش به روستاها به سمت مناطق شهری کشیده شد، به این دلیل است که می‌بینیم از کل جمعیت فعال کشور در سال ۱۳۶۵ معادل ۵۴/۸ درصد عرضه کار در مناطق شهری و ۴۴/۷ درصد آن در مناطق روستایی ساکن بودند. تغییر ترکیب جمعیت فعال موجب مهاجرت‌های روستاییان به شهرها شد و بدین ترتیب رشد

بی‌رویه شهر و شهرنشینی و مشاغل شهری را به دنبال آورد.

وضعیت تقاضای نیروی کار (جمعیت شاغل) در سال ۱۳۶۵ بدین صورت بود که از کل شاغلین کشور که ۱۱۰۰۲۰۰۰ نفر بودند میزان ۵۹۵۳۰۰۰ نفر (۵۴/۱۲ درصد) در مناطق شهری و ۴۹۸۸۰۰۰ نفر (۴۵/۳۴ درصد) در مناطق روستایی به کار مشغول بودند. تعداد ۲۲۰۳۰۰۰ فرصت شغلی جدید طی دوره ۶۵-۱۳۵۵ ایجاد شد که سهم مناطق شهری از این میزان ۸۳/۵ درصد و سهم مناطق روستایی ۱۳/۷ درصد بود. نرخ اشتغال نیز همانند نرخ فعالیت عمومی روند نزولی داشت و از ۸۹/۸۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸۵/۸۲ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافت (جدول شماره ۱۷ و ۱۸).

جدول شماره (۱۷) - توزیع جمعیت کل کشور برحسب فعالیت و تفکیک نقاط شهری و روستایی طی دهه ۶۵-۱۳۵۵

(ارقام: هزار نفر و درصد)

شرح	جمعیت کل کشور			جمعیت فعال			جمعیت شاغل			جمعیت بیکار		
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی
۱۳۵۵	۲۳۷۰۹	۱۵۸۵۵	۱۷۸۵۴	۹۷۹۶	۲۳۳۶	۵۴۶۰	۸۷۹۹	۴۱۱۳	۴۶۸۷	۹۹۷	۲۲۳	۷۷۴
۱۳۶۵	۲۹۴۴۵	۲۶۸۴۴	۲۳۳۴۹	۱۲۸۲۰	۷۰۲۶	۵۷۲۷	۱۱۰۰۲	۵۹۵۳	۴۹۸۸	۱۸۱۹	۱۰۷۳	۷۴۰
تغییر ۶۵-۱۳۵۵	۱۵۷۳۶	۱۰۹۸۹	۴۴۹۵	۳۰۲۴	۲۶۹۰	۲۶۷	۲۲۰۳	۱۸۴۰	۳۰۱	۸۲۲	۸۵۰	-۳۴
درصد رشد	۴۶/۷	۶۹/۳	۲۵/۲	۳۰/۹	۶۲/۰۴	۴/۸۹	۲۵/۰۴	۴۴/۷	۶/۴۲	۸۲/۴	۳۸۱/۲	-۴/۴
میزان رشد سالانه	۳/۹۰۵	۵/۴۰۷	۲/۲۷۱	۲/۷۲۷	۲/۹۴۵	۰/۴۷۸	۲/۲۵۹	۳/۷۶۷	۰/۶۳۳	۶/۱۹۷	۱۷/۰۱	-۰/۴۴۸

منبع: سالنامه آماری کل کشور - سال ۱۳۷۰ - مرکز آمار ایران

جدول شماره (۱۸) - میزان فعالیت عمومی، اشتغال و بیکاری به تفکیک

مناطق، طی سال ۱۳۶۵

(ارقام: درصد)

شرح	سال ۱۳۶۵		
	کل	شهری	روستایی
نرخ فعالیت	۲۵/۹۳	۲۶/۲	۲۵/۶
نرخ اشتغال	۸۵/۸۲	۸۴/۷۳	۸۷/۰۱
نرخ بیکاری	۱۴/۲	۱۵/۲۷	۱۲/۹۲

منبع: براساس جدول شماره ۱۷

توزیع تقاضای نیروی کار (جمعیت شاغل) در بین گروههای عمده فعالیت بیانگر آن بود که گروه کشاورزی همچون سالهای گذشته سهم خود را از کل شاغلین کشور از دست داده بود. این بخش در سال ۱۳۶۵ معادل ۲۹ درصد از تقاضای نیروی کار را به خود اختصاص داده بود در حالی که این میزان در سال ۱۳۵۵، ۳۴ درصد بود. البته در بین گروههای اصلی فعالیت، بیشترین سهم اشتغال را بخش کشاورزی داراست. پس از این بخش، خدمات عمومی بنا

۲۷/۷ درصد از کل تقاضای نیروی کار قرار دارد که همواره در طی سالهای مختلف سهم خود را از کل شاغلین کشور افزایش داده است. بخش بعدی صنعت با ۱۳/۲ درصد از مجموع جمعیت شاغل قرار دارد. سهم این بخش از کل تقاضای نیروی کار (جمعیت شاغل) نسبت به سال ۱۳۵۵ که بالاترین میزان را به خود اختصاص داده بود، کاهش چشمگیری داشت (سهم بخش صنعت از کل شاغلین کشور در سال ۱۳۵۵ معادل ۱۹ درصد بود). پس از صنعت بخش ساختمان قرار دارد که سهم این بخش نیز از کل شاغلین طی دهه ۶۵-۱۳۵۵ از ۱۳/۵ درصد به ۱۰/۹۶ درصد کاهش یافته است. بخش فروش با ۷/۹ درصد از کل تقاضای نیروی کار در مکان بعدی قرار دارد و پس از آن بخش حمل و نقل و ارتباطات با ۵/۷

درصد، فعالیتهای غیر طبقه‌بندی شده ۳/۲۷ درصد، بخش خدمات مالی با ۱/۰۴ درصد، ... قرار دارند (جدول شماره ۱۹).
 طی دهه ۶۵-۱۳۵۵ حدود ۲۲۰۳۰۰۰ فرصت شغلی جدید ایجاد شد که از این میزان ۸۳/۵ درصد آن به مناطق شهری و ۱۳/۷ درصد آن به مناطق روستایی اختصاص داشته است. این امر نشان‌دهنده رشد فرصتهای شغلی جدید نسبت به دهه قبل است
 توزیع فرصتهای شغلی جدید در بین گروههای عمده فعالیت بیانگر آن است که طی این دوره، بخش صنعت ۲۲۱ هزار نفر و بخش معادن ۵۸ هزار نفر از شاغلین خود را از دست داده‌اند. بخش کشاورزی وضعیت بهتری نسبت به دهه قبل پیدا کرد و توانست فرصت شغلی از

دست رفته خود را به ۱۹۹ هزار نفر افزایش دهد. در طی این دهه، بخش خدمات عمومی بالاترین افزایش را در فرصتهای شغلی داشت. این بخش به تنهایی ۱۵۳۰۰۰۰ فرصت شغلی جدید یا به عبارتی بیش از ۶۹ درصد از مشاغل ایجاد شده را به خود اختصاص داده بود. در حقیقت، در مقابل بخشهای تولیدی اقتصاد نظیر بخش کشاورزی، صنعت، معدن، آب و برق و گاز، ساختمان و حمل و نقل که از رشد ظرفیتهای شغلی کمتر و یا حتی منفی برخوردار بودند، رشد بالای بخش خدمات گویای آن است که این بخش غیرتولیدی اقتصاد توانسته است ظرفیتهای شغلی جدید ایجاد شده را کاملاً به خود جذب و به طرز نامتاسبی رشد کند (جدول شماره ۲۰).

جدول شماره (۱۹): توزیع جمعیت شاغل در بین گروههای عمده فعالیت سال ۱۳۶۵

(ارقام: هزار نفر و درصد)

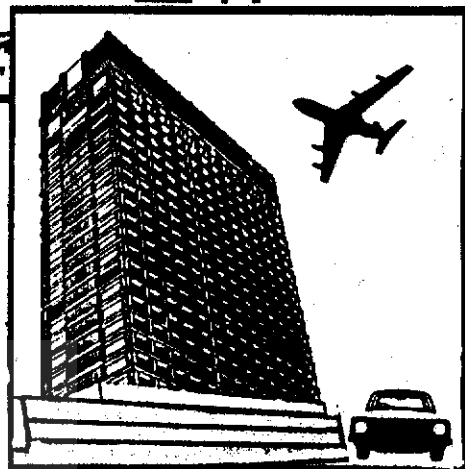
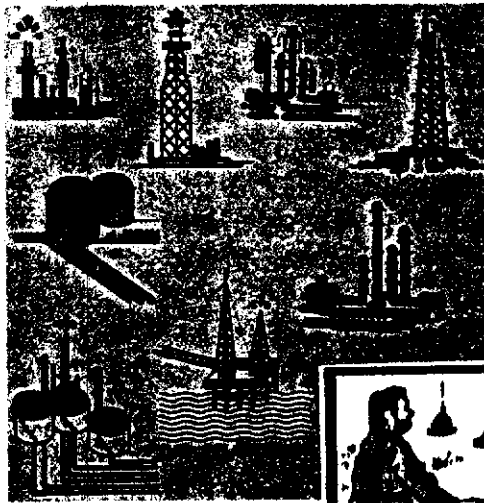
گروه عمده فعالیت سال ۱۳۶۵	گروه کشاورزی	گروه صنعت	گروه معدن	گروه استخراج	گروه برق و گاز	گروه ساختمان	گروه خدمات	گروه خدمات بازرگانی	گروه حمل و نقل	گروه خدمات مالی	گروه خدمات عمومی	گروه خدمات غیر عمومی	جمع کل
کل	۳۱۹۱	۲۹	۲۵۳	۲۲	۲۵۳	۱۲۰۶	۱۰۹۶	۸۷۵	۶۳۰	۱۱۴	۳۰۵۰	۳۱۰	۱۱۰۰۲
شهری	۳۱۲	۵/۲	۱۷۶۳	۱۴	۲۹/۶	۱۹۹۱	۱۷۹۳	۳۰۶	۴۶۵	۱۰۸	۲۳۲	۲۴۵	۵۹۵۳
روستایی	۲۸۷۸	۵۷/۷	۱۰۷۸	۱۹	۲۰/۴	۹۰۵	۱۱۵۳	۵۶۹	۱۶۵	۷	۲۶۸	۱۶۵	۴۹۸۸

مأخذ: سالنامه آماری کل کشور، سال ۱۳۷۰، مرکز آمار ایران

جدول شماره (۲۰): توزیع فرصت‌های شغلی جدید برحسب گروههای عمده فعالیت طی دهه ۶۵-۱۳۵۵

(ارقام: هزار نفر و درصد)

شرح	افزایش جمعیت شاغل	گروه کشاورزی	گروه صنعت	گروه معدن	گروه استخراج	گروه برق و گاز	گروه ساختمان	گروه خدمات بازرگانی	گروه حمل و نقل	گروه خدمات مالی	گروه خدمات عمومی	گروه خدمات غیر عمومی	جمع کل	تغییرات	
														درصد	مقدار
کل	۲۲۰۳	۱۰۰	۱۹۹	۱۰۰	۵۸	۱۰۰	۲۲۱	۱۰۰	۱۹۹	۱۰۰	۱۵۳۰	۲۸۵	۱۰۰	۲۸۵	۱۰۰
شهری	۱۸۴۰	۸۳/۵	۸۲	۴۱/۲۹	۴۰	۲۹/۶	۱۴۲	۸۳۵/۳	۲۰۳	۱۱۴	۲۳۲	۲۴۵	۵۹۵۳	۲۹/۶	۱۹۹
روستایی	۳۱۹۱	۵۷/۷	۱۰۷۸	۱۹	۲۰/۴	۹۰۵	۱۱۵۳	۵۶۹	۱۶۵	۷	۲۶۸	۱۶۵	۴۹۸۸	۱۰۰	۲۸۵



برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با حجم اعتبارات ۸۱۸۹ میلیارد ریال، طی چهار فصل عمده به تصویب رسید. تخصیص اعتبارات به ترتیب اولویت بدین ترتیب بود که فصل امور اقتصادی با ۴۸/۹ درصد از اعتبارات در ردیف اول و پس از آن فصل امور اجتماعی ۳۰/۱۲ درصد، سایر هزینه‌ها ۱۴/۶۶ درصد و امور عمومی ۶/۳۴ درصد قرار داشتند (جدول شماره ۲۱).

(۱۳۶۵) از ۱۰/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۴/۲ افزایش یافت و شاهد آن هستیم که نرخ بیکاری شهری در طی این دوره از ۵/۱۴ درصد به ۱۵/۲۷ درصد رسیده است، در حالی که نرخ بیکاری روستایی از ۱۴/۲۷ درصد به ۱۲/۹۲ درصد کاهش یافته است. در واقع، شهرها درخصوص ایجاد فرصت شغلی برای مهاجران روستایی و نیروی کار خود (عرضه طبیعی کار در شهر) موفق نبوده‌اند (جدول شماره ۱۸).

□ برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۷۲)

رشد سالانه بیکاری طی این دهه نسبت به دهه قبل افزایش یافته بود و از ۳/۲۲۳ درصد طی دهه ۱۳۵۵ به ۶/۱۹۷ درصد در دهه ۱۳۶۵ رسید. میزان بیکاری شهری در مقایسه با مناطق روستایی از رقم بالایی برخوردار بود. (این میزان در مناطق شهری ۱۰۷۳۰۰۰ نفر و در روستاها ۷۴۰ هزار نفر بود). در واقع، طی دهه ۶۵-۱۳۵۵ حدود ۳۴ هزار نفر از تعداد بیکاران مناطق روستایی کاسته شده بود. علت عمده این مسئله را می‌توان مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها و مازاد تقاضای نیروی کار روستایی نسبت به عرضه کار آن دانست. نرخ بیکاری در این سال

جدول شماره (۲۱) - تصویر اعتبارات عمرانی طی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۷۲)

(ارقام: میلیارد ریال)

شرح	فصل اول امور عمومی	فصل دوم امور اجتماعی	فصل سوم امور اقتصادی	فصل چهارم سایر هزینه‌ها	جمع
اعتبارات	۵۱۹/۶	۲۴۶۶/۴	۴۰۰۲/۸	۱۲۰۰/۲	۸۱۸۹
درصد	۶/۳۴	۳۰/۱۲	۴۸/۸۸	۱۴/۶۶	۱۰۰

منبع: قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۶۸-۱۳۷۲)



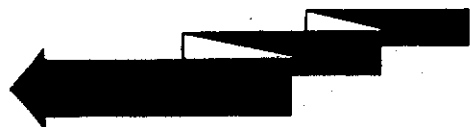
جدول شماره (۲۲) - تصویر سرمایه‌گذاری ثابت در فصل امور اقتصادی طی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸)

(ارقام: میلیارد ریال)

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	جمع
کشاورزی و منابع طبیعی	۳۵۰/۹	۴۵۵/۹	۶۳۹/۹	۶۸۹/۵	۷۳۱/۹	۲۸۶۸
نفت و گاز	۲۵۸/۱	۵۲۵/۹	۴۹۱/۳	۴۰۶/۷	۲۵۹/۳	۱۹۴۱/۴
صنایع و معادن	۵۰۳/۷	۶۰۴/۲	۵۷۰/۹	۴۵۵/۳	۳۳۵/۱	۲۴۶۹/۲
آب و برق	۳۰۹/۲	۵۱۴/۵	۵۷۷/۳	۶۴۰/۷	۶۵۰/۳	۲۶۹۲
خدمات	۱۱۲۶/۵	۱۹۳۳/۱	۲۱۰۳/۴	۲۱۴۲/۳	۲۲۸۴/۷	۹۵۹۰

مأخذ: قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸) - جلد اول کلان.

از اهداف کلی برنامه، ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی با تأکید بر خودکفایی محصولات استراتژیک کشاورزی و مهار تورم بود که برای این امر باید از طریق اولویت‌تمام سرمایه‌گذاری‌های نیمه تمام، رشد تولیدات سرمایه‌ای و واسطه‌ای اقتصاد با تأکید بر نهاده‌های کشاورزی، آب و خاک، صنایع معدنی و سنگین، افزایش صادرات بخش صنایع، معادن و کشاورزی، انتخاب تکنولوژی مناسب کم‌آرزبر، اشتغال‌زا و بدون اتکاء بر انحصارات بین‌المللی، تقویت شبکه جمع‌آوری و پردازش اطلاعات بازار کار و نیروی انسانی و انجام پژوهش‌های مربوط به حرکات بازار کار، طبقه‌بندی مشاغل، استاندارد مهارت و ارتباط بین آموزش و نیازهای کمی و کیفی بازار کار و... اقدام شود (جدول شماره ۲۲).





اهداف کیفی برنامه در زمینه نیروی انسانی و اشتغال، تبدیل تدریجی مشاغل کم بازده به مشاغل مولد، کاهش بیکاریهای فصلی و بیکاریهای پنهان، ایجاد اشتغال مولد و کاهش تورم بی رویه کار در بخشهای خدماتی از طریق سیاستهای مناسب مالی، پولی، مالیاتی و تشریک مساعی با بخش خصوصی و حمایت از سرمایه گذارهای تولیدی اشتغال را در این بخش، افزایش بهره‌وری کار از طریق بهبود شیوه‌های مدیریت و به کارگیری افراد در پستهای اجرایی مرتبط، تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز مناطق و نواحی محروم کشور از طریق سیاستهای تشویقی و ایجاد انگیزه‌های مادی و معنوی لازم، کاربرد و بهره‌گیری از شیوه‌های متناسب تکنولوژی در تولید و صنایع پایه و استراتژیک، کاربرد تکنولوژی پیشرفته و در سایر موارد تکنولوژی گاربر و توسعه و حمایت از مشاغل مولد با تأکید بر خوداشتغالی و تولیدات خانگی بود. در طی برنامه پیش‌بینی شده بود که سالانه حدود ۳۹۴ هزار شغل ایجاد شود و در انتهای برنامه نرخ بیکاری از ۱۵/۹ درصد فعلی به ۱۳/۴ درصد تقلیل یابد و مشاغل خدماتی نیز از ۴۷/۲ درصد فعلی به ۴۵/۵ درصد در آخر برنامه برسد. در این موارد، سیاستها و خط‌مشی‌ها در جهت افزایش اشتغال، حمایت ویژه از صنایع و کارگاههای کوچک اشتغال‌زا بود و در راستای ایجاد اشتغال مولد از ورود آن گروه از کالاهای وارداتی که امکان ساخت آنها در داخل کشور امکان‌پذیر می‌باشد - بدون بوجود آوردن بحران ناشی از کمبود - جلوگیری به عمل آید.

نشان می‌دهد که طی سالهای ۶۹-۱۳۶۷ میزان ۱۱۳ هزار نفر به شمار شاغلین بخش کشاورزی اضافه شده است (سالانه به طور متوسط ۵۶/۵ هزار نفر) که به مراتب بیشتر از رقم منظور شده در برنامه (سالانه به طور متوسط ۳۲ هزار نفر) می‌باشد. در بخش صنایع و معادن نیز براساس عملکرد واقعی اقتصاد ۲۱۲ هزار فرصت شغلی جدید طی این دوره ایجاد شده است (به طور متوسط سالانه ۱۰۶ هزار نفر) در حالی که اهداف برنامه افزایش سالانه ۶۸ هزار نفر مشاغل را (به طور متوسط) پیش‌بینی کرده بود. در مورد شاغلین بخش خدمات و مقایسه عملکرد اقتصاد و اهداف برنامه طی سالهای ۶۹-۱۳۶۷ می‌توان مشاهده کرد که این بخش طی سالهای مورد بررسی، براساس عملکرد اقتصاد، سالانه به طور متوسط ۱۳۷/۵ هزار نفر افزایش فرصت شغلی جدید داشته که پیش‌بینی برنامه در این خصوص افزایشی معادل ۱۴۱ هزار نفر را در نظر گرفته

● چنانچه آمار و اطلاعات مربوط به توزیع شاغلین در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور را با اهداف پیش‌بینی شده در برنامه مقایسه کنیم، نشان می‌دهد که طی سالهای ۶۹-۱۳۶۷ حدود ۱۱۳ هزار نفر به شمار شاغلین بخش کشاورزی اضافه شده است، که به مراتب بیشتر از رقم منظور شده در برنامه (سالانه به طور متوسط ۳۲ هزار نفر) می‌باشد.

□ مقایسه عملکرد اقتصاد با اهداف مورد

پیش‌بینی در برنامه اول

چنانکه قبلاً ذکر شد، دوره ۷۰-۱۳۶۷ با خاتمه یافتن جنگ و شروع دوران بازسازی، دوران رونق فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود. چنانچه آمار و اطلاعات مربوط به توزیع شاغلین در بخشهای مختلف اقتصاد کشور را با اهداف پیش‌بینی شده در برنامه مقایسه کنیم،

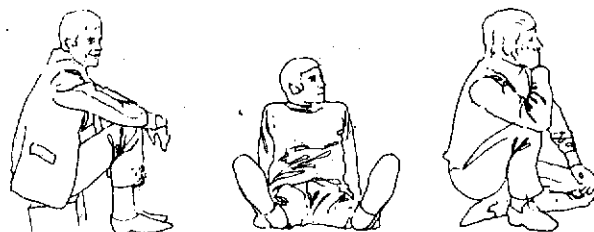
بود. به بیان دیگر، تنها در این بخش (خدمات) عملکرد اقتصاد طی دو سال اول برنامه کندتر از

کار بوده‌اند. این نسبت‌ها در سال ۱۳۶۹ بدین ترتیب بود که از ۵۶۴۰۱۰۰۰ نفر جمعیت کل کشور، ۲۵/۱ درصد آن (۱۴۱۶۷۰۰۰ نفر) را جمعیت فعال، ۲۱/۶ درصد آن را جمعیت شاغل (۱۲۱۸۹۰۰۰ نفر) و ۳/۵ درصد بقیه را جمعیت بیکار (۱۹۷۸۰۰۰ نفر) تشکیل می‌دادند. (میزان نرخ فعالیت عمومی در طی سالهای ۶۹-۱۳۶۷ از ۲۵/۴ درصد به ۲۵/۱ درصد کاهش یافته است). طبق آمارگیری جمعیت در سال ۱۳۷۰، از ۵۷/۸ میلیون نفر جمعیت کل کشور در حدود ۲۵ درصد از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند که ۲۲/۳ درصد از آنها یعنی ۱۳ میلیون نفر شاغل و بقیه (در حدود ۲ میلیون نفر) بیکار جویای کار بوده‌اند. به طور کلی، در مقایسه با اهداف برنامه، جمعیت فعال افزایش کمتر از حد اهداف مورد پیش‌بینی را نشان می‌دهد. نرخ رشد سالانه جمعیت فعال کشور طی این دوره معادل ۲/۹۲۲ درصد بوده است.

در زمینه بکارگیری ظرفیتهای تولیدی در سطح کلان با استفاده از متغیر سرمایه‌گذاری و مقایسه ارقام مربوط به عملکرد اقتصاد در بخشهای مختلف با اهداف برنامه، می‌توان در بکارگیری مطلوب و صحیح از ظرفیتهای موجود در جهت ایجاد فرصتهای شغلی استفاده مؤثری به عمل آورد.

با توجه به آمار، در این مورد می‌توان مشاهده کرد که طی سالهای ۷۰-۱۳۶۷ میزان سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص از ۱۱۴۳/۶ میلیارد ریال به قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۱ به ۱۵۴۵/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ افزایش یافته است. به عبارت دیگر، رشد سالانه آن در حدود ۱۰/۵۶ درصد می‌باشد. سهم سرمایه‌گذاری ثابت در بخش کشاورزی نسبت به کل سرمایه‌گذاری در کشور از ۷/۳ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۷/۹ درصد در سال ۱۳۶۹ افزایش یافته بود و این امر سهم انسداد سرمایه‌گذاری در این بخش را نشان می‌دهد. در بخش صنعت و معدن سهم سرمایه‌گذاری از ۹/۲ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۱۱/۲ درصد افزایش یافت و این در حالی است که در برنامه از جمله اولویتهای مورد نظر،

● پدیده بیکاری در کشور، بیشتر مربوط به ساختار جمعیت و جوان بودن آن است که جمعیت گروه سنی بیست تا سی سال در کشورمان بیشتر از سایرین است و قسمت عمده این جمعیت نیز در شهرها متمرکز شده است.



کاهش نرخ بیکاری در این دوره در نتیجه رونق فعالیتها و ایجاد ۷۳۹ هزار فرصت شغلی جدید طی این دوره بوده است. براساس اهداف برنامه اول، نرخ بیکاری باید به ۱۴/۳ درصد در سال ۱۳۷۰ کاهش می‌یافت حال آنکه عملکرد اقتصاد بیانگر کاهش نرخ بیکاری به ۱۱/۴ درصد در سال ۱۳۷۰ می‌باشد.

مقایسه عملکرد اقتصاد و اهداف برنامه در خصوص جمعیت فعال در کل کشور طی سالهای ۶۹-۱۳۶۷ بیانگر آن است که جمعیت فعال کشور از ۱۳۳۷۴۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۷ به ۱۴۱۶۷۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۹ افزایش یافت. در واقع، میزان عرضه نیروی کار به بازار طی این دوره ۷۹۳ هزار نفر بوده است (سالانه به طور متوسط ۳۹۶/۵ هزار نفر). در سال ۱۳۶۷ از کل ۵۲۶۷۲۰۰۰ نفر جمعیت کشور در حدود ۲۵/۴ درصد آن از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند که از این میزان ۲۱/۷ درصد آن شاغل (۱۱۴۵۰۰۰۰ نفر) و ۳/۶ درصد بقیه (۱۹۲۴۰۰۰ نفر) بیکار جویای

برنامه اول توسعه اقتصادی کشور می‌باشد. بدین ترتیب، در مورد کل شاغلین براساس عملکرد اقتصادی، طی سالهای ۶۹-۱۳۶۷ تقریباً سالانه به طور متوسط ۳۶۹/۵ هزار نفر به شاغلین کشور افزوده شده است که طبق پیش‌بینی‌های برنامه اول توسعه اقتصادی کشور افزایشی معادل ۳۹۴ هزار نفر به طور متوسط برای هر سال در نظر گرفته شده بود. نرخ اشتغال طی این دوره از ۸۵/۶ در سال ۱۳۶۱ به ۸۶ درصد در سال ۱۳۶۹ افزایش یافته بود.

در مورد شمار بیکاران طی دوره مورد بررسی (۶۹-۱۳۶۷) می‌توان مشاهده کرد که میزان آن از ۱۹۲۴۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۷ به ۱۹۷۸۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۹ افزایش یافته است. به عبارتی، طی این دوره، نرخ بیکاری از ۱۴/۴ درصد در ابتدای دوره به ۱۴ درصد در انتهای آن کاهش یافته است (نرخ بیکاری سال ۱۳۷۰ به میزان ۱۱/۴ درصد بود در حالی که تورم به ۱۹/۶ درصد می‌رسید). می‌توان گفت که

گسترش این بخش و افزایش ظرفیتهای تولیدی وابسته به آن می باشد. عملکرد اقتصاد در زمینه سرمایه گذاری این بخش طی دو سال اول برنامه پیمانگر رشد متوسط سالانه ۲۱/۵۸ درصد می باشد. سهم سرمایه گذاری در بخش خدمات از کل سرمایه گذاری ثابت کشور طی سالهای ۶۹-۱۳۶۷ از ۷۳/۸ درصد به ۷۰/۲ درصد کاهش یافت اما علی رغم این کاهش از رشد متوسط سالانه ۷/۰۶ درصد برخوردار بود.

در مقایسه این ارقام (عملکرد واقعی اقتصاد) با پیش بینی های بعمل آمده در برنامه پنج ساله اول، نرخ رشد سرمایه گذاری ناخالص داخلی طی سالهای ۷۱-۱۳۶۸ به طور متوسط ۱۵/۲ درصد بود، حال آنکه عملکرد اقتصادی در دوره ۷۰-۱۳۶۸، رشدی معادل ۱۲/۷ درصد را نشان می دهد. اگر چه طی سالهای مذکور تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است، لیکن با اهداف برنامه فاصله دارد. علت عدم تحقق اهداف برنامه در بخش سرمایه گذاری را می توان به طور کلی در عواملی نظیر افزایش هزینه های جاری دولت به دلیل مسائلی نظیر سیل و زلزله، عدم وضعیت ثبات کلان اقتصادی، مشکلات ارزی بخش صنعت، انتظارات بخش خصوصی در مورد یکسان سازی نرخ ارز و مسائلی از این قبیل جستجو کرد.

در مجموع، چنین به نظر می رسد که انتقال منابع مالی و واقعی از زمینه های مصرفی به زمینه های سرمایه گذاری باید به عنوان یکی از اهداف عمده سیاستهای اصلاح اقتصادی در نظر گرفته شود.

بطور خلاصه باید گفت که اقتصاد کشور با مشکلات بسیار مهم و اساسی بیکاری، کم کاری یا "اشتغال ناقص" و افزایش قابل توجه عرضه نیروی کار مواجه است. پدیده بیکاری، بیشتر مربوط به ساختار جمعیت و جوان بودن آن است که جمعیت گروه سنی بیست تا سی سال در کشورمان بیشتر از سایرین است و قسمت عمده این جمعیت نیز در شهرها متمرکز شده است. پدیده دیگر، یعنی اشتغال ناقص (بیکاری پنهان) بیشتر در بخشهای تولیدی و شرکتهای دولتی به



خصوص در بخشهای خدماتی نظیر خدمات اجتماعی و شخصی، خرده فروشی و حمل و نقل و تا حدودی در بخشهای ساختمانی دیده می شود. به طور کلی، بخش خدمات به دلیل عدم وجود مقررات دولتی و دست و پاگیر و معافیتهای مالیاتی و همچنین زود بازده بودن سرمایه گذاری در این بخش، از نظر تشکیل سرمایه و استقبال سرمایه گذاران بیش از سایر بخشها مورد توجه قرار دارد و بدین ترتیب شاغلین بیشتری را به خود جذب کرده است.

بنابراین، در زمان رکود اقتصادی با مشکل بیکاری پنهان بیشتر از بیکاری آشکار مواجه هستیم به طوری که به جای سرمایه گذاری و ایجاد زمینه مناسب برای پایین آوردن نرخ بیکاری، از مؤسسات دولتی و شرکتهای تولیدی به منظور بکارگیری نیروی انسانی استفاده می شود. در هنگام رونق اقتصادی نیز نیروهای موجود در این واحدها بکار گرفته می شود و در غیر این صورت یا استفاده از سرمایه گذاری مجدد و ایجاد فرصتهای شغلی جدید این امر صورت می گیرد که در هر حال به علت وجود اشتغال در

واحدهای خصوصی به هنگام رکود، در اغلب فعالیتها با بیکاری نیروی انسانی مواجه هستیم. در نتیجه، مهمترین راه حل این مشکلات را باید در ایجاد شغل های جدید جستجو کرد. برای ایجاد اشتغال جدید نیز باید از شیوه های کاربر استفاده نمود تا عرضه قابل توجه نیروی کار را جذب کرد، ضمن اینکه این اشتغال در بخشهای تولیدی باید جذب شود و در زمینه تولید و افزایش سطح اقتصادی ضرورت بهره گیری از تکنولوژی پیشرفته امری بدیهی است. در تمامی این امور بدون هدایت مؤثر اقتصاد از طرف دولت و بکارگیری تمامی امکانات موجود، اعم از آنچه در اختیار بخش دولتی یا بخش غیردولتی است، نه تنها از حجم بیکاری و اشتغال غیرمولد فعلی جامعه کاسته نخواهد شد، بلکه اشتغال جدید حتی قادر به تأمین کار برای افزایش جمعیت فعال نیز نخواهد بود. از این رو، باید جهت گیری عملکرد اقتصادی دولت تقویت و گسترش تولید باشد، زیرا تنها در این صورت است که می توان به حل مشکل بیکاری امیدوار بود.